

انتقاد از خود ضرورت دورانی نیروهای سیاسی و روشنفکری^۱

از سنت های پسندیده و توصیه های اکید در آیین ما ، رسیدگی به عملکرد خود است .

پیام "حاسبوا قبل ان تحاسبوا" و یا "موتوا قبل ان تموتوا" از جمله توصیه هایی است که از بزرگان دین به ما رسیده است . این توصیه که در نزد مبارزان و فعالان سیاسی از آن به انتقاد و انتقاد از خود یاد می شود شیوه و روش بسیارخوبی برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته و نیز راهی برای ارتقا و رشد فردی و جمعی و نیز رسیدن به همدلی و وحدت نیروهای مبارز در صحنه در جهت نیل به اهداف اصلی و پرهیز از نزاع در درون خانواده به شمار می رود .

دکتر حبیب الله پیمان نیاز به معرفی ندارد . او از دهه 1320 و در دوره دبیرستان با پیوستن به نهضت خدا پرستان سوسیالیست به رهبری دکتر محمد نخب پا به عرصه سیاست گذاشت . دکتر پیمان در دوران نهضت ملی و نیز بعد از کودتا در حزب مردم ایران و نهضت مقاومت ملی از جمله حامیان نهضت ملی و دکتر مصدق بود . دکتر پیمان نزدیک به هفت دهه است که در عرصه کنشگری سیاسی ایران حضوری نقادانه و فعال دارد .

از بارزترین ویژگی های دکتر حبیب الله پیمان برخورداری از مشی انتقادی و روحیه انتقاد پذیری اوست . نتیجه برخورداری از نگرش و مشی انتقادی دکتر پیمان را می توان در اقدام او برای راه اندازی نهادهای سیاسی و تلاش بی وقفه جهت یافتن راهها و راهکارهای نو جهت نیل به دموکراسی و عدالت اجتماعی و دسترسی به توسعه اقتصادی پایدار و درونزا پیگیری نمود و دریافت . در دهه 1340 پیمان علاوه بر حضور در حسینیه ارشاد در تاسیس کانون توحید نیز نقش و حضور داشت .

تغییر شرایط روز و نیاز به نوشتن و پاسخ به شرایط جدید از جمله دلایل دکتر پیمان در عرصه راه اندازی این تشکل ها به شمار می رفت . چنان که بعد از 15 خرداد 1342 و در پی سرکوب شدید مبارزان و به بن بست رسیدن سیاست مبارزه قانونی و مسالمت آمیز و گسترش روحیه نا امیدی و یاس بر مبارزان و روشنفکران ایرانی ، او به همراه دکتر سامی در سال ۱۳۴۴ جنبش آزادیبخش مردم ایران را با خط مشی قهرآمیز تاسیس کرد که

پس از دو سال لو رفت و فعالان جاما بازداشت شدند. پیمان بعد از آزادی همراه بخشی از مبارزان به مطالعه و نقد و جمع بندی دلایل و چرایی مبارزات مسلحانه پرداخت. دکتر پیمان در سال ۱۳۵۶ در آستانه خیزش انقلابی مردم و بنا بر ضرورت داشتن نقشه راه و تبیین شرایط، ابتدا جنبش مسلمانان ایران و با تغییر سریع شرایط سیاسی کشور جنبش مسلمانان مبارز را تاسیس کرد.

پیمان بعد از پیروزی انقلاب به عضویت در شورای انقلاب دعوت شد و در همان اثنا به انتشار نشریه امت که دیدگاه های او و سایر همفکرانش در جنبش مسلمانان مبارز را منعکس می کرد پرداخت. او همچنین در امر تدوین اساسنامه و تاسیس شوراهای وتشکل های صنفی و دموکراتیک حضور فعال داشت. دیدگاه های دکتر پیمان همچون ضرورت قطع وابستگی های اقتصادی اجتماعی به امپریالیسم، تحقق همزمان دموکراسی و عدالت اجتماعی، نقد گرایش های لیبرالیستی، نگاه نقادانه به مواضع و عملکرد دولت موقت در مدیریت ورهبری دوره گذارانقلابی، او را واداشت تا راهی میانه و مستقل از دوقطب برانداز و انحصار طلب در قدرت برگزیند. و پیشنهاد قبول مسئولیت های اجرایی را نپذیرفت.

تحولات بعد از خرداد ۱۳۶۰ و تغییر شرایط سیاسی در ایران موجب شد تا در نحوه و میزان حضور جنبش مسلمانان مبارز و دکتر پیمان تغییرات زیادی به وجود آید. با این حال پیمان در تمامی این سال ها همچنان تلاش کرد تا با توجه به شرایط موجود وظایف خود به مثابه یک روشنفکر متعهد و مسئول را در حد توان و در محدوده امکانات موجود ادامه دهد.

در طول این سال ها پیمان به رغم تضییقات و محدودیت ها با تحلیل شرایط اجتماعی سیاسی، از تلاش مداوم برای یافتن راههای برون رفت از بحران ها و مشکلات کشور و گشودن بن بست های فکری و عملی پیش روی مردم باز نایستاد. برون داد مکتوب این تلاش ها انتشار ده ها کتاب و مقاله و هزاران صفحه مطالب در زمینه های سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، دینی و قرآنی تاکنون ادامه داشته است.

او در این سال ها از نقد عملکرد خود در عرصه فکر و عمل نیز هرگز غافل نماند. دکتر پیمان در سال هفتاد در جزوه «سخنی با خویش» به نقد عملکرد جنبش مسلمانان مبارز پرداخت و سعی کرد با طرح لزوم نقد خود دیگر گروه های سیاسی را به نقد عملکرد سیاسی اجتماعی خود وادارد.

آخرین تلاش دکتر پیمان در این زمینه مصاحبه مفصلی بود که در خرداد امسال با شبکه اعتماد آن لاین انجام داد. او در این مصاحبه به بازبینی و نقد دیدگاه‌های خود پرداخته است. او در این مصاحبه با شهامت کامل به نقد نظرات و عملکرد خود در طول این چهل سال پرداخته. دکتر پیمان در این مصاحبه از ضرورت ولزوم تغییر انسان‌ها در گذر زمان، درباره مبانی ارزشی خود، اعتقاد به آزادی، برابری، دموکراسی و سوسیالیسم انسانی اخلاق مدار، ضرورت توسعه پایدار و درون‌زا و نیز آسیب‌های پیش روی جامعه ما، برخورد با نهضت آزادی و دولت موقت و روابط کنونی اش با نهضت آزادی ایران و، وظایف امروزین ما و از جمله ضرورت بسط ارتباطات اجتماعی، نهادسازی، بسط دموکراسی شورایی... به تفصیل سخن گفته است. ایشان با انتقاد از خود درباره برخورد با دولت موقت با صراحت می‌گوید:

من همچنان به اصول آزادی، برابری، سوسیالیسم و دموکراسی پایبندم و امروز هم دنبال آن هستم. اما امروز با نقد دوره پیش به این نتیجه رسیدم که آن زمان به اشتباه تصور می‌کردم دولت مهندس بازرگان مزاحم است. بنابراین باید بگویم که دولت مهندس بازرگان حتی با بینش لیبرال-سیاسی‌ای که پیش گرفته بود، مانع این مسائل یعنی آزادی، برابری و... نبود و مزاحم تلقی نمی‌شد.

این در حالی است که من تصور می‌کردم اینها (دولت مهندس بازرگان) می‌آیند و با بینشی که داشتند (لیبرالیسم) سد راه تحقق آزادی و برابری و حتی سوسیالیسم می‌شوند. اما چرا به این اشتباه پی بردم؟ چون در واقعیت دیدم که مهندس بازرگان در درجه اول یک لیبرال سیاسی است که به این مساله اشکالی وارد نیست، چون ایشان یک لیبرال دموکرات بودند که اتفاق خوبی است. نکته دوم این است که مهندس بازرگان اگرچه به لحاظ اقتصادی لیبرال بود ولی «ملی‌گرا» است و آن زمان اقتصاد ملی با بورژوازی ملی برای ما به مراتب مهم‌تر از بورژوازی کل بود. ما باید همان زمان به این نکات توجه می‌کردیم.

سومین نکته این بود که باید چنین مساله‌ای را بیشتر بررسی می‌کردیم که اساساً آنها (دولت مهندس بازرگان) فرصت و امکان این را داشتند که در آن مدت زمان تغییرات کلی و اساسی در ساختار ایجاد کنند...

ما باید به این مساله توجه می‌کردیم که آنان حتی فرصت حل مسائل اولیه را هم پیدا نخواهند کرد، چون مزاحمت و موانع زیادی پیش روی‌شان بود ..."

گزیده های بلند و کوتاهی از این مصاحبه بعد از انتشار توسط برخی روزنامه ها منتشر شد. اما جدای از بحث های مطرح شده در این مصاحبه آنچه به نظر شاید از اصل مصاحبه مهمتر باشد آن است که :

نفس انتقاد از خود یک نیروی سیاسی آن هم از سوی کسی در دهه هشتم زندگی خویش به سر می برد و سابقه هفتاد سال حضور در عرصه سیاسی دارد در جامعه ما امری غریب ، کم سابقه و بس پر ارزش است . در جامعه ای که نقد و انتقاد تا جایی جایز و روا است که دامن ما را تر نکند و تنها مخالفان ما را هدف قرار دهد ، این گونه انتقاد علنی و رسانه ای می باید به مثابه الگویی برای همه دست اندرکاران و فعالان عرصه اجتماعی قرار بگیرد و از پیمان بیاموزیم که نقد از خود نه تنها چیزی از ما نخواهد کاست بلکه چه از لحاظ اجتماعی و چه از نگاه معنوی وظیفه ای انسانی ، اسلامی و خدایی و ایفای مسئولیت در قبال مردم و جامعه به شمار می رود و گامی در جهت رشد و تعالی فردی و اجتماعی محسوب می شود . این نگاه و برخورد به ویژه باید از سوی آن دسته از نیروها به ویژه در میان اهل مطبوعات که ادعای طرفداری از لیبرالیسم را دارند مورد توجه ویژه قرار گیرد .